



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

محمدمهری نادری نژاد و بلاگ حقوقی قضایی جزادانی

هوالاول

قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۹۱ مجلس شورای اسلامی

این قانون ، از منابع اصلی و بسیار مهم آزمونهای حقوقی می باشد

ادامه و شرح این قانون را در وبلاگ و کanal جزادانی دنبال کنید.

جهت استفاده از سایر مطالب کanal بر روی لینک زیر در همین فایل کلیک کنید.

<https://telegram.me/jazadani>

محمدمهری نادری نژاد

جهت مشاهده وبلاگ بر روی لینک زیر در همین فایل کلیک کنید

<http://jazadani.blogfa.com/>

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

فصل اول - دادگاه خانواده

ماده ۱ - به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در **کلیه حوزه های قضائی شهرستان** به تعداد کافی **شعبه دادگاه خانواده** تشکیل دهد تشکیل این دادگاه در حوزه های قضائی **بخش** به تناسب امکانات به **تشخیص رئیس قوه قضائیه** موکول است.

تبصره ۱- از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی **شهرستانها**ی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، **دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه** با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند. و در اینصورت دادگاه عمومی بدون نیاز به مشاوران موضوع ماده ۲ این قانون ، رسیدگی خواهد کرد (به موجب رای وحدت رویه خرداد ماه سال ۹۴) مهم

تبصره ۲- در حوزه قضائی **بخش هایی** که دادگاه خانواده تشکیل نشده است **دادگاه مستقر در آن حوزه** با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند، **مگر** دعاوی راجع به **اصل نکاح و انحلال آن** که در **دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضائی رسیدگی** می شود

منظور از دادگاه مستقر در آن حوزه ، دادگاه عمومی حقوقی است یعنی اگر در حوزه های بخش ، دادگاه خانواده وجود نداشته باشد به کلیه دعاوی مربوط به دادگاه خانواده بایستی در دادگاه عمومی حقوقی رسیدگی شود(آن هم دادگاه عمومی حقوقی ای که مشترکا با دادگاه بخش‌هایی که در حوزه قضائی هستند) در نتیجه دو حالت متصور است یکی اینکه در حوزه بخش ها " دادگاه خانواده تشکیل شده باشد در این صورت خود حوزه بخش به دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند اما اگر در حوزه بخش دادگاه خانواده تشکیل نشده ، دادگاه عمومی حقوقی واقع در حوزه بخش باید به دعاوی خانوادگی رسیدگی کند. و اما استثنائی در مورد دعاوی اصل نکاح و انحلال نکاح موردنی است به این شرح بیان می کنیم = اگر در حوزه بخش دادگاه خانواده تشکیل شده باشد خود دادگاه حوزه بخش به اصل نکاح و انحلال رسیدگی میکند اما اگر در حوزه بخش دادگاه خانواده نباشد نزدیک ترین دادگاه خانواده آن حوزه (نه دادگاه عمومی حقوقی) رسیدگی خواهد

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

کرد. ضمناً در موارد موضوع این ماده که دادگاه دیگری رسیدگی میکند حضور مشاوران الزامی نیست

ماده ۲ - دادگاه خانواده با حضور رئیس یادرس علی البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره کند و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند . بنابراین دادگاه خانواده تکلیفی برای تبعیت از نظر مشاور ندارد و نظر مشاور تشریفاتی استدوحالت در این ماده بیان شده یکی اینکه قاضی با نظر مشاور موافق باشد و دیگر اینکه مخالف باشد . اگر موافق بود در دادنامه به نظر مشاور صرفاً اشاره میکند مثلاً به این قید بسنده می کند : (و با توجه به نظر مشاور)

و اما اگر مخالف بود باید دلیلی ذکر کند و در دادنامه بیان کند که به این دلایل با نظر مشاور مخالفم و بر خلاف نظر او رای میدهم یعنی دلایل را نیز در خود دادنامه قید کند

تبصره - قوه قضائیه موظف است حداقل ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاههای خانواده اقدام کند و در این مدت می تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند پس تا سال ۹۶ ممکن است در دادگاههای خانواده شاهد مشاور مرد باشیم .

به موجب ماده ۲۹۸ آیین دادرسی کیفری "دادگاه اطفال و نوجوانان نیز با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود و نظر مشاور ، مطلقاً مشورتی می باشد بدون ذکر هیچ قیدی در دادنامه (برخلاف ماده دو قانون حمایت خانواده) و نیز در ماده ۲۹۸ آ. د. ک " ذکری بر لزوم زن بودن مشاور و یا مهلتی برای ارائه نظر مشورتی نشده است

ماده ۳ - قضاط دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشند.

قضاط اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند تبصره ماده ۴۸۵ آیین دادرسی کیفری) و قضاط دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان باید حداقل پنج سال

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

سابقه خدمت قضایی داشته باشند(ماده ۴۰۹ آیین دادرسی کیفری) . سابقه باید قضایی باشد نه دولتی " پس ممکن است فردی بیست سال سابقه خدمت در ارگان دولتی داشته ولی باز به علت نداشتن سوابق قضایی، شرایط فوق را نداشته و نتواند در این مراجع ، کسب سمت کند(سمت به کسر سین و فتح میم)

ماده ۴- رسیدگی به امور و دعاوی زیر دصلاحیت دادگاه خانواده است

۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح

۳- شروط ضمن عقد نکاح

۴- ازدواج مجدد

۵- جهیزیه

۶- مهریه

۷- نفقة زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت

۸- تمکین و نشوی

۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن

۱۰- حضانت و ملاقات طفل

۱۱- نسب

۱۲- رشد، حجر و رفع آن

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران وصایت در امور مربوط به آنان

۱۴- نفقة اقارب

۱۵- امور راجع به غایب مفقود الاثر

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست

۱۷- اهدای جنین

۱۸- تغییر جنسیت

تبصره - به دعاوی اشخاص موضوع اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی حسب مورد طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۳۱/۴/۱۳۱۲ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۳/۴/۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می شود جزادانی

تصمیمات مراجع عالی اقلیتهای دینی مذکور درامور (فقط) حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات ، تنفيذ و اجراء می گردد. یعنی دادگاه صرفا باید نظرات را تنفيذ کند واجرا شود بر خلاف ماده ۵ پانزده همین قانون :

(ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده - هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیتدار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجراء نمی شود مگر آنکه دادگاه صلاحیتدار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفيذی صادر کند)

ماده ۵ - در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوای دادگاه می تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال ، وی را از پرداخت هزینه دادرسی ، حق الزرحمه کارشناسی، حق الزحمه

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

داوری و سایر هزینه‌ها معاف (کند) یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کنپس احراز عدم تمكن مالی با همان دادگاه خواهد بود. ذکر هر یک از اصحاب دعوا نشان می‌دهد که این مزیت می‌تواند مشمول خواهان یا خوانده شود. ممکن است خواهان معاف از هزینه نشده ولی خوانده معاف شود یا بالعکس موکول کردن پرداخت هزینه‌ها به زمان اجرای حکم نیز در مواردی صورت می‌گیرد که دادگاه تشخیص دهد طرف دعوا غلا توانایی مالی ندارد و احتمال می‌رود بعداً ممکن شود.

همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل

دادگاه حسب مورد **رأساً** یا به درخواست فرد **قادت تمكن مالی** " وکیل معاوضتی تعیین می‌کند ممکن است در دعاوی در صلاحیت دادگاه خانواده حتی خود شخص تمایلی به داشتن وکیل نداشته باشد ولی دادگاه اجبارا برای وی وکیل معاوضتی تعیین کند در اینصورت موکل نمی‌تواند از مرجع رسیدگی کننده بخواهد اظهارات وکیل را نادیده بگیوبد

تبصره - افراد تحت پوشش **کمیته امداد امام خمینی (ره)** و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی **معاف** می‌باشند . ملاک آن نیز عضویت و تحت پوشش بودن فرد در کمیته و بهزیستی می‌باشد لذا ممکن است فردی شدیداً فاقد توanایی مالی باشد ولی تحت پوشش این عنوانی نباشد در اینصورت وی مشمول مقررات این تبصره نخواهد شد ولی در هر حال ممکن است چنین شخصی نیز مشمول مقررات اصل این ماده شو

ماده ۶ - مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد ، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقة طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء، ادعای ضرورت را بررسی کند یعنی اگر شخصی حضانت یا نگهداری طفل با محجور را بر عهده دارد **دولی ضرورتی** برای نگهداری نبوده باشد به عنوان مثال صرفا برای مصلحت یا خیر خواهی باشد در اینصورت او نمیتواند نفقة طفل یا محجور را مطالبه کند . اقتضای ضرورت مثل آنکه فرد دیگری غیر از مادر یا پدیزرگ و غیره وجود ندارد تا طفل را نگهداری کند و درنتیجه دادگاه ناچار شده نگهداری طفل را به ایشان بسپارد. نکته مهم اینکه حتی اگر مادر کسی حضانت یا نگهداری فرزندش **ربدون اقتضا ضرورت** بر عهده دارد در چنین شرایطی **مادر نیز**

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقة طفلی محجور را ندارد این قسمت می تواند در سوالات تستی مد نظر طراحان قرار گیرد و با ذکر کلمه ماذر قصد بمنحرف کردن داوطلب کنند

ماده ۷ - دادگاه (مکلف نیست بلکه) می تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقة زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی قابل اجراء است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادر شده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کندر آین دادرسی مدنی دستور موقت نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی دارد اما در این ماده خیر به اعتقاد ما دستور موقت مختص امور فوری نیست بلکه در اموری هم که فوریت ندارد دادگاه در صورت تشخیص می تواند اقدام به صدور دستور موقت کند ولو مربوط به امر فوری نباشد اما در اینصورت می طلبد که تأیید رئیس حوزه قضایی نیاز باشد.

ماده ۸ - رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آین دادرسی مدنی انجام می شود. وقتی تقدیم دادخواست لازم باشد تبعاً هزینه دادرسی نیز باید پرداخت شود. پس هزینه دادرسی در دعاوی مربوط به دادگاه خانواده پا بر جاست اما سایر تشریفات آین دادرسی مدنی در دادگاه خانواده رعایت نمی شود

تبصره - ۵ رگاه خواهان " خوانده را مجھول المكان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند دادگاه به طرق مقتضی در این باره تحقیق و تصمیم گیری می کند و ممکن است دادگاه در نتیجه ای تحقیقات خود اقامتگاه واقعی خوانده را یافته و از اقامتگاهی که خواهان معرفی کرده (یعنی آخرین اقامتگاه خوانده) صرفنظر کند.

ماده ۹ - (برخلاف ماده هشت که تشریفات را تابع آین دادرسی مدنی ندانسته بود اما در اینجا در خصوص ابلاغ) ، تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی (نه فقط یک طرف) طرق دیگری از قبیل پست، نمبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

اعلام کنند، دادگاه (مکلف نیست ولی) می تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است

ماده ۱۰ - دادگاه می تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش ، جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد . تکلیفی در این خصوص برای دادگاه وجود ندارد هرچند در عمل قضاط مطابق این ماده عمل می کنند . این تأخیر صرفا برای آن است که فرصتی فراهم آید تا زوجین بتوانند صلح و سازش کنند نه آنکه لزوما ایشان را به داوری و . . . ارشاد و ارجاع کرده باشد

ماده ۱۱ - در دعاوی مالی موضوع این قانون ، محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است تأمین محکوم به را درخواست کند . پس تقاضای تأمین محکوم به از دادگاهی میشود که حکم نخستین را صادر کرده ولو مرجع بالاتر، حکم قطعی صادر کرده باشد

ماده ۱۲ - در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند مگر در موردی که خواسته ، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد . پس زوج از چنین حقی برخوردار نیستواین حق مختص زوج است. این ماده با هدف سهولت امر و مساعدت به زوجه تدوین گشته است . زوجه مخیر است به اقامتگاه خوانده مراجعه کند و یا محل سکونت خود و بر این اساس مخصوصا در سوالات تستی و پرونده های موکلین دقت کنیم که زوجه نمی تواند به محل سکونت زوج مراجعه کند بلکه در این ماده اقامتگاه زوج آورده شده است(و البته مغایرتی هم وجود ندارد و ممکن است اقامتگاه زوج همان محل سکونت وی باشد) و در مورد مطالبه مهریه غیرمنقول همچون زمین کشاورزی زوجه باید به محل وقوع مال غیر منقول مراجعه کند و در این مورد نمی تواند از مساعدت های موجود در این ماده استفاده کند .

ماده ۱۳ - هرگاه زوجین دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه های قضائی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است صلاحیت رسیدگی را دارد . چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزدادانی

صلاحیت رسیدگی به **دعای زوجه** را دارد به کلیه دعاوی رسیدگی می کنندفرض این ماده فقط مواردی خواهد بود که زوجین دو دعوا علیه یکدیگر مطرح کرده اند پس اگر فقط یکی دعوایی مطرح نموده باشد مشکلی پیش نمی آید و این ماده بی استفاده خواهد ماند

الف = دقت کنیم این ماده فقط در دعاوی موضوع صلاحیت خانواده کاربرد دارد یعنی دو دعوایی که طرفین علیه یکدیگر مطرح میکنند باید در صلاحیت دادگاه خانواده باشد تا بتوانیم متمسک به این ماده شویم مثلا اگر دعوای مطالبه نفقة توسط یک طرف مطرح شده ولی طرف دیگر تحت عنوان خیانت در امانت اقامه دعوا کرده در اینصورت مقررات این ماده جاری نمی شود بلکه این ماده فقط در موردی اجرا میشود که هردو دعوا که طرفین علیه هم مطرح کرده اند در صلاحیت دادگاه خانواده باشد.

ب = ماده بیان میکند هرگاه زوجین دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر درحوزه های قضائی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که **دادخواست مقدم** به آن داده شده است صلاحیت رسیدگی را دارد = مستنبط از این قسمت ماده ممکن است زوج دادخواست مقدم را داده باشد و **دادگاه محل اقامت زوج** صالح به رسیدگی باشد علی رغم مساعدت فوق الذکر که به حال زوجه بود ممکن است دادخواست زوج مقدم باشد و در نتیجه دادگاه محل اقامت زوج نسبت به دادگاه محل اقامت زوجه مقدم شود.

جیم = در قسمت سوم ماده می خوانیم چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد ، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به **دعای زوجه** را دارد به کلیه دعاوی رسیدگی می کند این قسمت دارای یک نکته فوق العاده مهم است قسمت اول ماده " دادخواست مقدم را معتبر دانسته حال فرض کنیم زوج امروز ساعت هشت صبح دادخواستی می دهد و زوجه هم امروز ساعت سیزده دادخواستی داده است در اینصورت دادخواست مقدم معتبر نیست زیرا گذشته از تقدیم دادخواست زوج (شرح قسمت ب در بالا) ؛ دادخواست زوج و زوجه در یک روز تقدیم شده که در این حالت دادخواست زوجه معتبر است نه دادخواست مقدم" اما اگر زوجه موفق نمی شد **همین امروز** دادخواست خود را به ثبت برساند در این حالت ولو فردا صبح دادخواست بددهد باز هم دادخواست زوج مقدم بوده و معتبر است.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

پس برای تشخیص؛ حتماً ابتدا بررسی کنیم آیا دادخواست‌ها در یک روز داده شده یا خیر؟ اگر در یک روز تقدیم شده باشد در هر حال **دادخواست زوجه** معتبر است ولی زوجه در همان روز ولی دیرتر از زوج دادخواست داده باشد . اما اگر در یک روز دادخواست نداده باشند آنگاه دادخواست هر یک از طرفین که مقدم باشد معتبر است و نهایتاً به این طریق ، دادگاه صالح محلی مشخص خواهد شد

ماده ۱۴ - هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامات **طرفی** که در ایران اقامات **دارد** برای رسیدگی صالح است اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت **فرد ساکن در ایران** و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل **سکونت موقت زوجه** برای رسیدگی صالح است. هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، **دادگاه شهرستان تهران** صلاحیت رسیدگی را دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند

به ترتیب اولویت بایستی عمل کنیم ساده سازی این ماده به شرح ذیل می‌باشد و در صورت تحقق یک ترتیب ، دیگر به مورد بعدی مراجعه نمی‌شود و تا وقتی که یکی از ترتیبات زیر محقق نشود آنقدر سراغ ترتیب بعدی می‌رویم تا یکی محقق شده و در آن نقطه توقف کنیم .
تاكيد ميشود اولویت و ترتیب زير =

اگر هردو طرف مقیم ایران باشند مشکلی موجود نیست و به این ماده توجه نمی‌کنیم و در صورت عدم تحقق این شرط

اگر فقط یکی **مقیم** ایران باشد دادگاه اقامات او صالح به رسیدگی است خواه زوج باشد یا زوجه و در صورت عدم تحقق این شرط

اگر هیچ کدام مقیم ایران نباشد ولی **هردوی زوج و زوجه** و یا **فقط زوجه** **سکونت موقت** در ایران داشته باشد دادگاه سکونت موقت زوجه صالح به رسیدگی است بسیار مهم - در این قسمت نیز زوجه بر زوج ترجیح داده شده زیرا با آنکه ممکن است هردو در ایران سکونت موقت داشته باشند دادگاه محل سکونت موقت زوجه صالح به رسیدگی می‌باشد و در صورت عدم تحقق این شرط

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

اگر فقط زوج سکونت موقت در ایران دارد دادگاه محل سکونت زوج صالح بفرسیدگی است و در صورت عدم تحقق این شرط

اگر هیچ کدام از زوجین سکونت موقت هم در ایران ندارند دادگاهی که زوجین برای اقامه دعوی با تراضی تعین کنند صالح به رسیدگی می باشد) ممکن است قبل از تعیین کرده یا اکنون تراضی بر تعیین دادگاه کنند) + و در صورتی هم که مقیم خارج از ایران بوده و تراضی بر صلاحیت دادگاه خارجی کنند دادگاه صلاحیت دار ایرانی باید این احکام را تنفیذ کند به شرح ماده ۵ پانزده و در صورت عدم تحقق این شرط

اگر هیچ کدام سکونت موقت هم در ایران ندارند و به دادگاه حوزه خاصی تراضی نکنند **دادگاه های خانواده تهران** صالح به رسیدگی اند*** ولو زوج و زوجه اصالتاً اهل کرمان باشند و یا محل اقامتگاه قبلی ایشان شیراز بوده باشد باز هم دادگاه تهران صالح خواهد بود

با این تفاصیل ملاحظه می شود که نوبت به دادگاه خارجی برای رسیدگی نخواهد رسید و به موجب ماده پانزده :

هرگاه ایرانیان مقیم **خارج** از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیتدار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجراء نمی شود مگر آنکه **دادگاه صلاحیتدار ایرانی** این احکام را **بررسی و حکم تنفیذی** صادر کند علی رغم اصرار ماده ۵ چهارده بصلاحیت دادگاه ایرانی ، این ماده با تحقق شرایطی اجازه داده تا دادگاه خارجی رسیدگی کند اما باز هم حکم دادگاه خارجی وقتی اجرا می شود که دادگاه صلاحیت دار ایرانی آن حکم را بررسی و تنفیذ کند قید بررسی بدین معناست که مجدداً محتويات پرونده تماماً توسط دادگاه ایرانی بررسی می شود و اگر دادگاه ایرانی آن حکم را نپذیرد مطرود می دارد . پس حکمی که توسط دادگاه خارجی (موضوع این قانون) صادر شده علی رغم طی شدن مراحل طویل دادرسی ، ممکن است باز هم توسط دادگاه ایرانی مورد تنفیذ قرار نگیرد منظور از دادگاه صلاحیت دار ایرانی (که باید حکم تنفیذی صادر کنند) دادگاهی است که به شرح مواد فوق دارای صلاحیت است و پس از صدور حکم توسط دادگاه خارجی مجدداً باید مرجع صالح را طبق مواد

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

فوق مشخص کنیم و آنگاه این دادگاه اقدام به بررسی مجدد پرونده نماید تا نسبت به حکم دادگاه خارجی نظر دهد

تبصره - ثبت طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور در کنسولگریها ی جمهوری اسلامی ایران به درخواست کتبی زوجین یا زوج با ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیتدار که با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب رئیس قوه قضائیه به کنسولگریها معرفی می شوند امکانپذیر است. ثبت طلاق رجعی منوط به انقضای عده است. در طلاق بائن نیز زوجه می تواند طلاق خود را با درخواست کتبی و ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیتدار فوق در کنسولگری ثبت نماید درخواست شفاهی در این ماده جایگاهی ندارد

در مواردی که طلاق به درخواست زوج ثبت می گردد، زوجه می تواند با رعایت این قانون برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاههای ایران مراجعه نماید

قسمت اول این تبصره از ثبت طلاق در خارج از کشور ایران سخن می گوید اما قسمت اخیر بیان می دارد برای مطالبه نفقة ، زوجه می تواند به دادگاههای ایران مراجعه کند. ضمناً منظور از دادگاه ایرانی همان دادگاه های صلاحیت دار ایرانی می باشد که می بایست طبق مواد فوق ، ابتدا دادگاه صالح محلی مشخص شده و سپس زوجه برای مطالبه نفقة به آن دادگاه رجوع کند و نباید تصور کنیم بخاطر ثبت طلاق در خارج، برای مطالبه نفقة زوج " هر دادگاه ایرانی صالح است . ضمن اینکه علاوه بر صلاحیت محلی ، صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده نیز در هر حال باید رعایت شود.

فصل دوم - مراکز مشاوره خانوادگی

ماده ۱۶ - به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاههای خانواده ایجاد کند.

تبصره - در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاهها می توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۱۷ - اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روانپزشکی، روان شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می شوند و **حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متاهل** واجد شرایط باشند تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعریف خدمات مشاوره ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسله
مرکز باید نصف اعضاش باشند باشد بشرطی که این نصف "متاهل باشند پس ممکن است کل اعضای یک مرکز بانوان باشند ولی از میان ایشان تنها چهل درصد (از کل اعضاء) متاهل باشند در اینصورت شرط موجود در این ماده محقق نشده است

ماده ۱۸ - در حوزه های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوى خانوادگى خواستار شود ((در حوزه های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده)) = بنظر ما آوردن این قيد بی علت نیست و اگر در حوزه ای مراکز مشاوره تشکیل نشده باشد دادگاه خانواده نمی تواند نظر مراکز مشاوره ای حوزه های دیگر را خواستار شود بلکه باید تدبیر دیگری اندیشه کند و یا از سایر نهاد های مشورتی جهت رفع اختلاف استفاده کند

ماده ۱۹ - مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره ای به زوجین ، خواستهای دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می کنند . مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می کنند. **مرکز مشاوره**، **میتواند راسا و بدون درخواست طرفین دعوی یا دادگاه**، **خدمات مشاوره ارائه کند** و به اعتقاد ما این یک تکلیف است نه حق " یعنی در تمام موارد (خواه درخواست شده یا نشده) باید خدمات مشاوره ای دهد و نمیتواند به تشخیص خود عمل کند بلکه موظف است تماما در همه دعاوی مشاوره دهد ولو دادگاه از آن مرجع نخواسته یا طرفین این تقاضا نکرده باشند. علاوه بر این " می بایست خواسته های دادگاه رانیز اجرا کرده و سعی کند بین طرفین سازش ایجاد شود

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزدادانی

در صورتی که سازش ایجاد شود مراکز مشاوره صرفا سازش نامه ای تنظیم میکنند بدون اینکه نظر کارشناسی یا ذکر علتی لازم باشد "اما اگر سازش ایجاد نشود این مراکز؛ هم باید نظر کارشناسی و هم دلایل عدم سازش را **کتبًا** بیان کنند.

تبصره - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی میکند پس به هیچ وجه "نظریه کارشناس برای دادگاه متابع نیست و صرفا یک امر تشریفاتی است اما در هر حال این نهاد نظراتی ابراز می کند که ممکن است باعث جهت دهی به نظر دادگاه شود. نظریه داوری نیز همچون نظرات مراکز مشاوره خانواده "برای دادگاه متابع نیست. م ۲۷

فصل سوم - ازدواج

ماده ۲۰- ثبت نکاح دائم، فسخ و انفصال آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامي است. رجوع مختص نکاح منقطع است و در نکاح منقطع، طلاق راه ندارد. بثت پایان مدت نکاح منقطع لازم نیست زیرا نکاح منقطع همیشه دارای مدت می باشد و با محاسبه تاریخ شروع و مدت، می توان تشخیص داد که چه زمانی نکاح منقطع پایان یافته یا خواهد یافت

متعه = نکاح غیر دائم و موقت= نکاح منقطع = یعنی نکاحی که قطع میشود و دائم نیست

ماده ۲۱- نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت نکاح موقت در موارد زیر الزامي است :

۱- باردارشدن زوجه

۲- توافق طرفین

۳- شرط ضمن عقد

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

نظام جمهوری اسلامی " نکاح دائم را مورد حمایت قرار می دهد آوردن این قید بی علت نیست و این قسمت بطور ضمنی در مقام بیان این مطلب است که اصل بر نکاح دائم است . در ابتدای این قید نیز آمده است (نکاح دائم که مبنای تشکیل خانواده است) و بنظر ما این جمله در مقام بیان علت است که چرا نکاح دائم اصل است . به زبان ساده تر " این ماده بیان می کند اصل بر نکاح دائم است زیرا مبنای تشکیل خانواده در جامعه اسلامی " نکاح دائم است و لذا حکم نیز چنین مستدل شده که نظام اسلامی کشورما ، از اصل حمایت میکند (نه از فرع) . در قسمت اخیر ماده ، ذکری از حمایت نکاح موقت نشده و حتی قسمت آخر این ماده با آوردن نقطه ، از قسمت اول تفکیک شده است.

تبصره - ثبت وقایع موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون در دفاتر اسناد رسمی ازدواج یا ازدواج و طلاق مطابق آیین نامه ای است که ظرف یک سال با پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد و تا تصویب آیین نامه مذکور ، نظام نامه های موضوع مایک اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۹ کماکان به قوت خود باقی است

ماده ۲۲- هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهارآزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) **قانون اجرای محکومیتهای مالی است**. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملات زوج ملاک پرداخت است رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است .

ماده ۲۳- وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مكلف است طرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراءشدن این قانون بیماریهایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماریهای **واگیردار و خطرناک** برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادرشده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماریهای موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماریهای مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

علی رغم اینکه بیماری های واگیردار تقریبا همگی خطرناکند اما در این ماده "بیماری های خطرناک " غیر از بیماریهای واگیردار است یعنی ممکن است یک بیماری واگیردار نباشد بلکه فقط خطرناک باشد که در اینصورت نیز مشمول این ماده خواهد بود پس نباید بیماریهای واگیردار موجود در این ماده را مترادف بیماری های خطرناک تلقی کنیم . این ماده ، هم شامل بیماری های واگیردار میشود و هم بیماریهای خطرناک ضمن اینکه برخی بیماریهای واگیردار نیز ممکن است خطرناک نباشد همچون سرماخوردگی ؛ برخی از بیماریها نیز بسیار پر خطرند اما واگیردار نیستند

تبصره - چنانچه گواهی صادر شده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماریهای **مسری و خطرناک** که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می شوند- درمورد بیماری های مسری و خطرناک ، طرفین باید به مراکز تعیین شده معرفی شود اما نه هر بیماری خطرناک و نه هر بیماری مسری لبکه فقط مصاديقی از این دو دسته که نام آنها قبل از تأثییرات بیماری تأثییرات اعلام شده باشد

در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به **خسارت به جنین** باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد

فصل چهارم - طلاق

ماده ۲۴- **ثبت طلاق** و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش (از سوی دادگاه) یا حکم مربوط از سوی **دادگاه** مجاز است

ماده ۲۵- در صورتی که زوجین متقاضی **طلاق توافقی** باشند، دادگاه باید موضوع را به **مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد**. در این موارد طرفین می توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند **طلاق توافقی = ارجاع به مرکز مشاور خانواده (دادگاه اجبارا باید ارجاع دهد و تغییری نیست)**

در صورت عدم انصاف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می کند بنظر ما در این خصوص اگر دادگاه پس از بررسی توافقات طرفین ، آن را غیرمقدور یا غیرمشروع و حتی نامفید و مضر احوال طرفین دعوا تشخیص دهد میتواند طرفین را اجبار به عدول از آن نموده و ایشان را مکلف کند تا توافقات جدیدی جایگزین کنند و بر این اساس دادگاه می توافقددا اطراف دعوا را به مراکز مشاوره ارجاع دهد چرا که اگر غیر از این می بود آوردن قید ((جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می کند)) بی ثمر میشد.

ماده ۲۶- در صورتی که طلاق ، توافقی یا به درخواست زوج باشد دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام میکند.

صدور گواهی عدم امکان سازش **توسط دادگاه = طلاق توافقی یا درخواست زوج** و اگر فقط به درخواست زوجه باشد حسب مورد ، مطابق قانون به صدور **حکم الزام زوج به طلاق** یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می کند

ماده ۲۷- در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به **داوری** ارجاع کند دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند پس نظریه داوری نیز همچون نظرات مراکز مشاوره خانواده" برای دادگاه متبوع نیست

تبصره ماده ۱۹ - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی میکند

ملاحظه میشود که در هیچ کدام از ماده ۲۷ و تبصره ماده ۱۹ " دادگاه مکلف به پذیرش نظر داور یا کارشناسان مراکز مشاوره نیست که شباهت دو متن "در این است اما تفاوت عمدی آنها : دادگاه برای رد نظر داور ، باید دلیل داشته باشد و البته دلیل را حتما ذکر کند در حالی که در مورد مراکز مشاوره ، چنین تکلیفی برای دادگاه مقرر نشده است

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۲۸- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری هریک از زوجین مکلفند طرفیک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داوربه دادگاه معرفی کنند یکهفته = از ابلاغ

ارجاع امر به داوری نیازمند صدور قرار است (تستی). طرفین باید یک نفر از اقارب متأهل را معرفی کنند. گذشته از اینکه ماده ۲۸ افراد مجرد را از داوری منع کرده، طرفین دعوی نمیتوانند دوستان و آشنایان خود را برای داوری انتخاب کنند بلکه فقط اقارب از نوع متأهل . منظور از سی سال؛ همان سی سال شمسی است قید آشنا بودن به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی آمره نیست و ضمانت اجرایی برای عدم تبعیت افراد از آن در نظر گرفته نشده است بلکه تنها یک قاعده‌ی تکمیلی و پیشنهادی بوده و درنتیجه دادگاه مکلف به بررسی شخصیت داور از منظر آشنایی بامسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی نیست . به عبارت اخیری و به نظر ما " دادگاه نباید بتواند از این حیث داور انتخابی طرفین را رد کند

تبصره ۱- محارم زوجه (فقط به شرطی) که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، درصورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند . این تبصره مزیتی بیان میکند که صرفا شامل حال زوجه است و زوج از چنین حقی برخوردار نیست و لذا این مزیت با محدودیت مواجه است= این تبصره صرفا محارم زوجه را شامل میشوده اقارب را .

این در حالیست که ماده ۲۸ بیان داشته اقارب متأهل طرفین (خواه محروم و نامحرم) می‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند پس زن نمیتواند اقربایی را که فوت کرده یا از هم جدا شده اند به عنوان داور انتخاب کند زیرا اینان محروم نیستند بلکه صرفا اقارب زوجه بوده اند ضمن اینکه منظور از محارم ، محارم دائمی و اقرباست یعنی شخص محروم ، می‌بایست هم از اقربا باشد و هم از محارح دائم مثلا پزشک ممکن است موقتا در زمان و مکان و شرایط خاصی " محروم افراد محسوب شود و نه تنها محروم دائم نیست بلکه از اقربا هم نیست و چنین محارمی مشمول این ماده نمیشوند .

تبصره ۲- درصورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

تعیین و معرفی کنند در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عده‌وانایی آنان؛ دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند

نبود فرد واجد شرایط یا عدم دسترسی به آنها یا استنکاف آنها = طرفین خودشان افراد دیگر انتخاب می‌کنند

استنکاف خود طرفین یا عدم توانایی آنها = دادگاه داور تعیین می‌کند. در قسمت اخیر؛ اگر یک طرف ناتوان در انتخاب داور باشد یا از انتخاب داور استنکاف ورزد طرف دیگر معمولاً از دادگاه درخواست می‌کند که داور بوسیله دادگاه انتخاب شود ولی اگر طرف دیگر هم درخواست نکرد باز هم دادگاه مکلف به انتخاب داور می‌باشد ضمناً اگر **دو طرف** "استنکاف از انتخاب داور کنند بعید است در عمل" درخواست انتخاب داور را به دادگاه تقدیم کنند و دادگاه راساً باید اقدام کند زیرا چنین افرادی غالباً (نه همیشه) قصد دارند به داوری تن ندهند و استنکاف آنها قرینه‌ای بر صحت این گفتار است. اما اگر ناتوان در انتخاب باشند معمولاً در علی از دادگاه درخواست تعیین داور خواهند نمود.

ماده ۲۹- **دادگاه ضمن رأی** خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقة زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند

همچنین دادگاه باید با توجه به **وابستگی عاطفی و مصلحت طفل**، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. بنابراین قاضی دادگاه باید برای تعیین زمان و مکان ملاقات طفل؛ وابستگی عاطفی و مصلحت طفل را در نظر گیرد و نمیتواند بر اساس میل خود عمل کند بلکه به این ماده عنایت نموده و آنچه از نظر خود قاضی نزدیک تر به مراد این ماده است می‌باشد در دستور کار وی قرار گیرد

ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است . طلاق" در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکومیه نیز ثبت می‌شود

محمد مهدی نادری نژاد و بلاگ حقوقی قضایی جزدادانی

بنابراین تاوقتی حقوق مالی زوجه تادیه نشده ، امکان ثبت طلاق وجود ندارد اما

یک- اگر زوجه رضایت دهد بدون تادیه حقوق مالی او نیز امکان ثبت طلاق وجود دارد

دو- اگر اعسار زوج به موجب حکم قطعی ثابت شود بدون تادیه حقوق مالی زوجه ، امکان ثبت طلاق وجود دارد

سه- اگر حکم قطعی دایر بر تقسیط محکوم به " صادر شود بدون تادیه حقوق مالی زوجه امکان ثبت طلاق وجود دارد

(راجع به مورد دوم و سوم ، حکم قطعی ملاک است نه هر حکمی " ضمن اینکه برخی از احکام در دادگاه بدوى و برخی در دادگاه بالاتر قطعی می شوند)

و بلاگ و کanal جزدادانی

در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند پس رضایت زن در بند اول ، به معنای منتفی شدن حقوق مالی وی نیست بلکه صرفا اذن در ثبت طلاق است و بعد از ثبت طلاق نیز می تواند برای دریافت حقوق خود ، اقدام قانونی انجام دهد

ماده ۳۰- در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که بر عهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبع زوجه را اثبات کند، میتواند معادل آن را از وی دریافت نماید

اثبات اینکه زوجه برای مخارج زندگی هزینه کرده" به عهده زوجه است و اگر نتواند ثابت کند از حقوق مندرج در این ماده محروم می شود ولی اثبات قصد تبع زوجه به عهده می باشد

بنابراین زن فقط باید ثابت کند که برای زندگی هزینه کرده و صرف این اثبات ، حقوق وی را ثبیت میکند. مرد نیز اگر بخواهد این ادعا را خنثی کند علی رغم اینکه ادعای زن را میپذیرد می تواند اثبات کند که زن به قصد تبع" هزینه پرداخته است.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزدادانی

بنظر می رسد قانون گذار بین اذن و امر تفاوت قابل شده باشیدرا

امر زوج یعنی مرد به همسرش امر کرده و ایجاب کند که از اموال شخصی خود برای مخارج زندگی مشترک هزینه کن و زوجه از امر او پیروی کند (در اینصورت نیز اگر زوجه قادر بوده باشد از امر زوج استنکاف ورزد باز هم زوجه حق اقامه دعوی و مطالبه‌ی هزینه‌ها را خواهد داشت).

اذن زوج " مثل اینکه زن خود به دلخواه خویش اقدام به هزینه کردن مخارج زندگی کند و زوج مانعی برای او ایجاد نکرده و بطور صریح یا ضمنی از این عمل زوجه استقبال کند. در اینصورت نیز زن حق دارد معادل مخارج را از زوج دریافت کند

ماده ۳۱- ارائه گواهی پزشک ذی صلاح درمورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، **مگر** آنکه زوجین بر وجود جنین توافق نظر داشته باشند

زمان ارائه گواهی پزشک هنگامیست که قرار بر ثبت طلاق است

پس اگر زوجین هردو اذعان دارند که زوجه باردار است نیازی به گواهی پزشک و استعلام نیست اما اگر بین زوجین اختلاف باشد دایر بر اینکه یکی وجود جنین و یکی عدم جنین را ادعا کند به گواهی پزشک نیاز می باشد همچنان اگر هردو نفر بر عدم جنین توافق داشته باشند بازهم گواهی پزشک لازم است : نتیجه =

عدم نیاز به گواهی پزشک: توافق نظر زوجین بر وجود جنین

نیاز به گواهی پزشک: توافق نظر بر عدم وجود جنین

نیاز به گواهی پزشک: اختلاف زوجین بر وجود یا عدم وجود جنین

ماده ۳۲- در مورد حکم طلاق، **اجرای صیغه و ثبت آن** حسب مورد منوط به انقضای مهلت فرجام خواهی یا ابلاغ رأی فرجامی است

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

وقتی رای دادگاه بدوى صادر شود باز هم نمی توان صيغه طلاق را جاري کرد و نيز نمیتوان طلاق را ثبت کرد بلکه باید صبر نمود تا مهلت فرجام خواهی منقضی شود و يا رای فرجامي ابلاغ شود

شرح : وقتی نسبت به رای بدوى مهلت اعتراض(فرجام خواهی) داشته باشيم خود نمود آن است که رای بدوى قطعی نشده و همانطور که میدانيم رای غيرقطعي را نمیتوان اجرا کرد و بنابراین ماده مزبور اجرای صيغه طلاق وثبت آن را منوط به انقضای مهلت فرجام دانسته واما هرگاه طرف دعوي تقاضاي فرجام خواهی نكرده باشدهمان راي بدوى قطعی ميشود و ميتوان راي بدوى را اجرا کرد . اما اگر در مهلت فرجام خواهی تقاضاي فرجام شود در اينصورت باید منتظر رسيدگی مرجع فرجام بود و پس از ابلاغ راي مرجع فرجام مبني بر تاييد راي بدوى داير بر صحت شرایط طلاق و غيره" آنگاه ميتوان صيغه طلاق را اجرا کرد و طلاق را ثبت نمود

ماده ۳۳- مدت اعتبار حکم طلاق **شش ماه** پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامي یا انقضای مهلت فرجام خواهی است

هرگاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر رسمي ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف **یک هفته** از تاریخ ابلاغ مراتب؛ در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می کند برای اجرای صيغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند.

در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صيغه، صيغه طلاق جاري و ثبت می شود و مراتب به زوج ابلاغ می گردد . در صورت اعلام عذر از سوی زوج، **یک نوبت دیگر** به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می آید.

از آنجا که مهلت مقرر در این ماده برای اصحاب دعوا تعین شده" ماده بالا بیان میکند شش ماه از تاریخ ابلاغ رای به اصحاب دعوا در نتیجه اگر رایی دو سال قبل صادر شده و امروز ابلاغ شود همچنان مهلت شش ماهه پابرجاست و از تاریخ ابلاغ یعنی از امروز بمدت شش ماه " حکم دادگاه معتبر خواهد بود.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

علی رغم اینکه حکم طلاق از سوی خود زوجه به دفتر رسمی تسلیم شده است در صورت عدم حضور زوج ظرف یکهفته، سردفتر علاوه بر ابلاغ برای زوج؛ باید به خود زوجه نیز ابلاغ کند تا برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شود.

اگر حکم طلاق از سوی زوجه به دفترخانه تحويل شده و زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب؛ در دفترخانه حاضر نشود آنگاه سردفتر به هردوی زوجین ابلاغ میکند تا برای اجرای صیغه طلاق و ثبت حاضر شوند حال اگر باز هم زوج مراجعه نکند ولی عذر موجهی اعلام کند سردفتر نمیتواند صیغه طلاق را جاری کرده یا طلاق را ثبت کند اما در صورتی که زوج عذری اعلام نکند و حاضر نشود صیغه طلاق بدون حضور او جاری شده و طلاق ثبت می شود و از آنجا که ممکن است زوج از اجرای غیابی صیغه طلاق در این ماده مستحضر نشده باشد قانون الزام نموده که اجرای صیغه طلاق و ثبت آن بصورت غیابی، می باشد به زوج ابلاغ شود. این ابلاغ توسط سردفتر انجام میشود نه دادگاه.

ضمن اینکه قسمت اخیر ماده تکلیف پذیرش یا عدم پذیرش عذر موجه را مشخص نموده است: اگر عذر موجه باشد نتیجه‌ی آن یک نوبت دعوت مجدد به ترتیب مقرر در ماده‌ی فوق است و اگر عذر موجه نباشد اجرای صیغه طلاق و ثبت آن را به دنبال خواهد داشت.

و نهایتاً تشخیص موجه بودن یا غیر موجه بودن عذری که زوج برای عدم حضور خود بیان کرده با سردفتر است فلذا سردفتر میتواند به تشخیص خود ادعای عذر از سوی زوجه رانپذیرد و صیغه طلاق را جاری کند. در این ماده ترتیبی برای اعتراض زوج از جهت عدم پذیرش عذر وی توسط سردفتر پیش بینی نشده است.

تبصره م ۳۳ - دادگاه صادر کننده حکم طلاق باید در رأی صادر شده بر نمایندگی سردفتر در اجرای صیغه طلاق در صورت امتناع زوج تصریح کند.

همانطور که از توضیحات ما در ماده ۳۳ مشخص است این ماده اختیارات زیادی به سردفتر اعطای نموده است بنابراین تبصره‌ی موجود دادگاه مربوطه را مکلف نموده تا به نمایندگی سردفتر تصریح کند. بعلاوه این تصریح باید در خود رای صادره صورت گیرد که حاکی از اهمیت و حساسیت موضوع است.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۳۴- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است

سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی: علت جداگانه قید شدن این دومورد و تفاوت نگارش آن بر این مبنای است که گاهی رأی ابلاغ میشود ولی گاهی رأی قطعی شده و بدون ابلاغ روند کار پرونده ادامه می یابد به عنوان مثال ممکن است یک طرف دعوا برای عدم امکان ابلاغ رأی؛ محل اقامت خود را تغیر دهد یا اقدام به امری کند که ابلاغ با مشکل رو به رو شود؛ قانون در مواردی چنین؛ ابلاغ رأی را لازم ندانسته و ماده مورد بحث نگارش راجع به دوگونه متفاوت بیان کرده است

چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادرشده از درجه اعتبار ساقط است. ضمن اینکه به موجب تبصره ماده ۳۵ فاصله بین ابلاغ و جلسه اجرای صیغه طلاق در این ماده نباید از یک هفته کمتر باشد

گاه طلاق توافقی بوده و گاه خیر. اگر طلاق توافقی باشد هردو طرف ذینفع محسوبند و گواهی عدم امکان سازش ممکن است از سوی هریک از ایشان تسلیم دفترخانه شود اما اگر طلاق توافقی نبوده و یک طرفه باشد بنظر می رسد ذینفع کسی است که خواهان طلاق بوده و در عمل اوست که گواهی عدم امکان سازش را تسلیم دفترخانه میکند. اگر طرف سه ماه گواهی مزبور تسلیم دفتر رسمی ازدواج و طلاق نشود این گواهی از درجه اعتبار ساقط است

سه ماه مهلت تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفترخانه فرصت بود حال طرفی که خود گواهی عدم امکان سازش را به دفترخانه تسلیم کرده از روز تسلیم نیز سه ماه دیگر فرصت دارد در دفترخانه حاضر شود و مدارک لازم را ارائه کند (دقیق کنیم سه ماه مهلت تسلیم گواهی و سه ماه دیگر مهلت حضور و ارائه مدارک مقرر شده) اگر گواهی عدم امکان سازش اول فروردین صادرشده و طرف دعوا همان روز گواهی را تسلیم دفترخانه کند سه ماه از این تاریخ نیز یعنی تا اول تیر ماه فرصت حضور در دفترخانه و ارائه مدارک دارد اما اگر گواهی عدم امکان سازش که مورخ اول فروردین صادر شده "۸۹ روز بعد یعنی ۳۰ خرداد ماه تسلیم دفترخانه کند از این

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

تاریخ نیز مجددا سه ماهه دیگر فرصت دارد در دفتر خانه حضور یابد و مدارک را تسلیم کند . بنابراین حسب عمل شخص، این مهلت ها جمعا ممکن است ظرف ۹۲ روز به پایان برسد همچون مثال اول" و نیز ممکن است تا شش ماه به طول بیانجامد همچون مثال دوم)

اگر ظرف این مدت حاضر نشود گواهی عدم امکان سازش از درجه اعتبار ساقط است. همچنین اگر ظرف این سه ماه حاضر شده ولی مدارک لازم را ارائه نکند گواهی از درجه اعتبار ساقط است زیرا

شخصی که گواهی عدم امکان سازش را به دفترخانه تحويل داده ذینفع بوده و پس از تسلیم گواهی ، ملزم است ظرف سه ماه ، هم در دفتر حاضر شده و هم مدارک را ارائه دهد .

چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادر شده از درجه اعتبار ساقط است

این قسمت از ماده فقط طرفی که گواهی را به دفترخانه تسلیم کرده " ملزم به حضور و تسلیم مدارک میداند اما سوال این است که ماده مجبور چرا طرف دیگر را ملزم به حضور ندانسته است؟ پاسخ روشن است زیرا ماده ۳۲ بیان کرده در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و مراتب به زوج ایلامی گردد. این حکم درمورد زوجه نیز جاریست و مطابق ماده ۳۵ در غیاب زوجه حکم طلاق جاری خواهد شد بنابراین ماده ۳۴ فقط طرفی را ملزم به حضور و ارائه مدارک به دفترخانه کرده که گواهی عدم امکان سازش را تسلیم دفتر نموده بود

تبصره - هرگاه گواهی عدم امکان سازش صادر شده بر اساس توافق زوجین یا به حکم قانون از درجه اعتبار ساقط شود کلیه توافقاتی که گواهی مذکور بر مبنای آن صادر شده است ملغی می گردد.

پس توافق زوجین نیز همچون حکم قانون می تواند گواهی عدم امکان سازش را از درجه اعتبار ساقط کند.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۳۵- هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی ازدواج و طلاق مراجعته و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند، در صورتی که زوجه ظرف **یک هفته** در دفترخانه حاضر نشود سردفتر به زوجین اخطار می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند؛ صورت عدم حضور زوجه صیغه طلاق جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجی رسد.

همچنان که در ماده ۳۳ بیان شد در اینجا نیز علی رغم اینکه حکم طلاق از سوی خود زوج به دفتر رسمی تسلیم شده است در صورت عدم حضور زوجه ظرف **یک هفته**، سردفتر علاوه بر ابلاغ برای زوجه، باید به خود زوج نیز ابلاغ کند تا برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شود.

باتوجه به تشابه و وحدت ملاک، توضیحات ماده ۳۳ برای ماده ۳۵ نیز مصدق داشته و کفايت میکند و از تکرار بی مورد آن در اینجا پرهیز میکنیم.

تبصره - **فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرای صیغه** در این ماده و ماده (۳۴) این قانون **ناید** از **یک هفته** کمتر باشد. در مواردی که زوج یا زوجه **مجهول المکان** باشند، دعوت از شخص **مجهول المکان** از طریق نشر آگهی در جراید کثیر الانتشار با هزینه درخواست کننده به وسیله دفترخانه (**نه دادگاه**) به عمل می‌آید.

نشر آگهی مشروط به این است که زوج یا زوجه **مجهول المکان** باشد یعنی مشخص نباشد که محل اقامت یا محل کار یا سکان و استقرار وی کجاست بنابراین اگریکی از این محل ها مشخص بوده ولی به شخص مورد نظر دسترسی نباشد امکان دعوت از طریق نشر آگهی وجود ندارد.

همچنین اگر شرایط به گونه ای باشد که وی امکان حضور نداشته باشد (همچون بیماری یا عواملی چون سیل) امکان دعوت از طریق نشر آگهی نخواهد بود

آگهی مذکور در این ماده در جرایدی نشر می‌شود که کثیر الانتشار باشد نه هر جرایدی هزینه نشر آگهی مربوط به این ماده به عهده درخواست کننده است.

دعوت از شخص **مجهول المکان** از طریق نشر آگهی، توسط دفترخانه صورت میگیرد.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۳۶- هرگاه گواهی عدم امکان سازش بنا بر توافق زوجین صادر شده باشد، در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادر کننده رأی و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست

گاهی زوج ضمن عقد یا به موجب عقد علی حده وکالت بلاعزل به همسر خود میدهد تا زوجه بتواند خود را طلاق دهد گاه نیز دادگاه این وکالت را به زوجه می دهد

مفهوم مخالف ماده آن است که اگر زوجه وکالت بلاعزل در اجرای صیغه طلاق نداشته باشد حضور زوج لازم بوده و عدم حضور وی مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن است و در اینصورت مطابق مواد قبلی (راجع به عدم حضور زوج) عمل خواهد شد.

بنظر می رسد اگر گواهی عدم امکان سازش بدون توافق طرفین صادر شده باشد ولی زوجه به موجب سند رسمی قبل از اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل اخذ کرده باشد باز هم عدم حضور زوج مانع اجرای صیغه طلاق نیست زیرا ماده ۱۱۱ قانون مدنی بیان می دارد

طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد ازدواج نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند: مثل این که شرط شود هر گاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک اتفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوءقصد یا سوءرفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.

ماده ۳۷- اجرای صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفترخانه یا در محل دیگر و با حضور سردفتر انجام می گیرد

لازم نیست صیغه طلاق در دفترخانه جاری شود بلکه هر محل دیگری نیز همچون منزل زوج یا زوجه و یا اماکن عمومی همچون مسجد مناسب بوده و خللی به صحت اجرای آن وارد نمیکند

ممکن است صیغه طلاق توسط شخصی غیر از سردفتر جاری شود اما در هر حال هنگام اجرای صیغه حضور سردفتر الزامی است.

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

ماده ۳۸ - در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود صورتجلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می رسد در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می شود در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع طلاق ثبت می شود .

این ماده طلاق بائن را در برنمیگیرد

ثبت طلاق رجعی منوط به گواهی دو شاهد است مبنی بر سکونت زوجه ی مطلقه در منزل مشترک تا پایان مدت عده.

گواهی شهود موضوع این ماده باید کتبی باشد

گواهی حداقل دو شاهد بیانگر این است که در صورت امکان ، لازم است بیش از دو نفر شهادت دهند و اگر این امکان فراهم نباشد آنگاه شهادت دو نفر کفايت می کند این شهود میتوانند مرد یا زن باشند و اجباری بر مرد بودن ایشان نیست زیرا دشوار می شود که انتظار داشته باشیم در محل سکنای زن و مرد ، دو مرد دیگر زندگی کرده یا این سکنی اطلاع داشته باشند

اصل بر این است که ذینفع در طلاق، زوج می باشد و معمولاً نیز طلاق بوسیله زوج ایجاب میشود در نتیجه پس از جاری شدن صیغه طلاق نیزبرای حفظ حقوق زوجه و استحکام خانواده دو نفر شاهد باید شهادت دهند که زوجه تا پایان مدت عده در منزل مشترک و کنار زوج سکونداشته است . وضع این قسمت از ماده بخاطر آن است که مرد ملزم شود تا پایان مدت عده در کنار زن سکونت داشته باشد و به دلایل عاطفی حاصل از سکونت کنار یکدیگر ممکن است رجوع صورت گرفته و یا نزدیکی رخ دهد که در این صورت صحت و انجام طلاق مخدوش خواهد شد

محمد مهدی نادری نژاد و بلاک حقوقی قضایی جزادانی

اگر زوجه رضایت دهد بدون شهادت شهود طلاق ثبت میشود زیرا بیان کردیم که ذینفع در طلاق زوج می باشد و درواقع رضایت زوجه مبنی بر ثبت طلاق بدون شهادت مزبور ، اقدام علیه خویش محسوب است

تمکیل صورت جلسه طلاق ، منوط به پایان یافتن مدت عده است. در مدت عده ، زن و مرد تا پایان مدت کنار هم زندگی میکنند و اگر رجوع صورت گرفت صورت جلسه طلاق باطل میشود و درصورت عدم رجوع در این مدت ، صورت جلسه طلاق تمکیل می شود

اما ابطال صورت جلسه طلاق منوط به پایان یافتن مدت عده نیست و به محض رجوع زوج ، میتوان صورت جلسه ابطال طلاق را تنظیم و تمکیل کرد

صورتجلسه تمکیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می رسد سردفتر ، زوجین و دو شاهد طلاق باید صورت جلسه طلاق را امضا کنند . لزومی ندارد زوجین خود شخصاً امضا نمایند بلکه امضای نمایندگان ایشان نیز کفایت می کند

دو شاهد اخیر غیر از دو شاهدی است که در ابتدای ماده ذکر شده و به این ترتیب ، دو شاهد برای سکنی گزینی زوجه و زوج در یک منزل و دو شاهد نیز برای اصل طلاق لازم است که صورت جلسه طلاق به امضای دو شاهد اخیر می رسد نهایتاً باید دانست نیازی به تفاوت شخص شهود نیست بلکه دو شاهدی که راجع به سکنای زن و مرد کنارهم و در مدت عده شهادت داده بودند می توانند برای اصل طلاق نیز بعنوان شاهد انتخاب شده و صورت جلسه طلاق را امضا کنند

در صورت درخواست زوجه ، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می شود این قید بدین معناست که به مطالبه زوجه نیاز است و اگر زوجه گواهی اجرای صیغه طلاق و نیز عدم رجوع را مطالبه نکند نیاز نیست این گواهی ها به زوجه اعطا شود

در هر حال درصورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت میشود یعنی اصل بر عدم رجوع است و اگر زوج یا زوجه مدعی رجوع باشد باید ادعای خود را اثبات کند . در صورت عدم اثبات رجوع ، طلاق ثبت خواهد شد. علی رغم ذینفع بودن مرد در طلاق بنظر می رسد اگر مرد

محمد مهدی نادری نژاد و بلاگ حقوقی قضایی جزادانی

خود نیز پس از پایان مدت عده ، ادعای رجوع کند باید رجوع خویش را اثبات نماید و از این حیث فرقی میان زن و مرد نیست زیرا ممکن است مردی در مدت عده ، نزدیکی و یا رجوع نکرده اما پس از پایان یافتن مدت عده به دلایل عاطفی یا برای اطاله دادرسی و ایداء زوجه ، ادعای رجوع کند و مانع ثبت طلاق شود

ماده ۳۹- در کلیه موارد، قطعی بودن و یا قابل اجراء بودن گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق باید از سوی دادگاه صادر کننده رأی نخستین گواهی (شود) و همزمان به دفتر رسمی ازدواج و طلاق ارائه شود

علی رغم اینکه ممکن است رای در مرجع بالاتر قطعی شده باشد دادگاه صادر کننده رای نخستین " تکلیف مقرر در این ماده را به عهده دارد

بنظر میرسد هر دوی گواهی عدم امکان سازش و حکم طلاق؛ گاه قطعی هستند و گاه قطعی نبوده ولی قابل اجرا هستند و البته این قطعیت؛ متفاوت از قطعیت مصطلح در قوانین مادر است به عنوان مثال در ماده ۱۰۲۹ میخوانیم

هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۵ حاکم او را طلاق می دهد و بلافاصله در ماده ۱۰۳۰ میخوانیم:

اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضای مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضای مدت مذبور حق رجوع ندارد و مشاهده میشود که علی رغم قطعیت حکم طلاق "باز هم ممکن است این حکم منتفی شود

هر حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش ضمن آنکه توسط دادگاه صادر کننده رای نخستین گواهی میشود همزمان به دفتر رسمی ارائه می شود تا امر اجرا توسط دفتر انجام شود .

ادامه و شرح این قانون را از طریق وبلاگ و کanal جزادانی دنبال کنید

محمد Mehdi نادری نژاد و بلاگ حقوقی قضایی جزادانی

جهت استفاده از سایر مطالب کanal بر روی لینک زیر در همین فایل کلیک کنید.

<https://telegram.me/jazadani>

جهت مشاهده و بلاگ بر روی لینک زیر در همین فایل کلیک کنید

<http://jazadani.blogfa.com/>

ادامه شرح این قانون بزودی در کanal جزادانی قرار خواهد گرفت

محمد Mehdi نادری نژاد

هزینه استفاده از این جزو ذکر هفت صلوت برای تحکیم تمام خانواده ها و ایجاد انس در میان آنان می باشد به امید روزهای نزدیکی که جامعه ای حقوقی کشور با تلاش و مشورت خود بتواند سهمی در جلوگیری از طلاق را به خود تخصیص دهد

تشکر از دوست عزیزی که زحمت تایپ مطالبرا بر عهده دارند.